Religion and Health

ORIGINAL ARTICLE

2023, Special Issue Allameh Hassanzadeh Amoli, Pages: 20-29

Nature of Evil and Vice from the Perspectives of Allameh Hassanzadeh Amoli, Allameh Mesbah Yazdi, Allameh Tabatabai, and Shahid Motahari

Reza Heidaryan[1*], Basaad Deris[2]

1- Professor of Babol Medica University, Babol, Iran
2- 4th Level Student of Hazrat Khadija Seminary, Babol, Iran

***Corresponding Author:**
Reza Heidaryan
Babol Medica University, Babol, Iran

Email:
Reza.3013@Yahoo.Com

Abstract

One of the most important issues that philosophers and theologians face and must have a suitable answer for is the issue of evil and moral evil and its nature and role in existence. Because knowing this has a direct relationship with believing in God's justice, wisdom, power and mercy; The present research is comparative and by examining the viewpoints of contemporary and comprehensive thinkers, such as Allameh Hassanzadeh Amoli, Allameh Misbah Yazdi, Allameh Tabatabai and Shahid Motahari, and with a descriptive and analytical method and using library sources to explain and analyze the views of Islamic scholars. The above is intended to answer this important and basic question, what is the nature of evil and moral evil and its role in the world? The findings of the research show that evil is a non-existent, relative thing, a necessity of this material world and little compared to good, as well as a definite necessity of the cause and effect system. In the meantime, Allameh Hassanzadeh considers the affairs of the universe to be purely good, and Allameh Misbah has presented a more accurate interpretation of what evil is by emphasizing the monotheism of verbs.

Keywords: Evil, Hassanzadeh Amoli, Motahhari, Moral ugliness, Mesbah Yazdi, Tabatabai

▶ **Citation:** Heidaryan R, Deris B. Nature of Evil and Vice from the Perspectives of Allameh Hassanzadeh Amoli, Allameh Mesbah Yazdi, Allameh Tabatabai, and Shahid Motahari. Religion and Health, Special Issue Allameh Hassanzadeh Amoli 2023; 20-29 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

دین و سلامت

مقاله پژوهشی اصیل

ویژه نامه علامه حسن زاده آملی صفحه: ۲۹-۲۰

ماهیت شرّ و قُبح اخلاقی از منظر علامه حسن‌زاده آملی، علامه مصباح یزدی، علامه طباطبایی و علامه شهید مطهری

رضا حیدریان[1]*، بسعاد دریس[2]

۱. استاد دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

۲. طلبه‌ی سطح چهار حوزه‌ی علمیه‌ی خواهران حضرت خدیجه (س)، شهرستان بابل، بابل، ایران

* **مؤلف مسئول:**
رضا حیدریان
استاد دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

Email:
Reza.3013@Yahoo.Com

چکیده

یکی از مسائل مهمی که فلاسفه و متکلمان با آن مواجه هستند و باید پاسخ مناسبی برای آن داشته باشند، مسئله‌ی شرور و قبایح اخلاقی و ماهیت و نقش آن در هستی است؛ چراکه شناختِ این امر ارتباطی مستقیم با اعتقاد به عدالت، حکمت، قدرت و رحمت پروردگار دارد. پژوهش حاضر به‌گونه‌ی تطبیقی و با بررسی دیدگاه اندیشمندان معاصر و جامع‌نگر، همچون علامه حسن‌زاده آملی، علامه مصباح یزدی، علامه طباطبایی و شهید مطهری و با روش توصیفی‌تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تبیین و تحلیل نظریات اسلام‌شناسان مذکور، در صدد پاسخ به این سؤال مهم و اساسی است که ماهیت شرور و قبایح اخلاقی و نقش آن در عالم چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شر امری عدمی، نسبی و لازمه‌ی این جهان مادی و نسبت به خیر اندک و همچنین، لازمه‌ی قطعیِ نظام علّی و معلولی است. در این بین، علامه حسن‌زاده امور عالم تکوین را صرفاً خیر محض می‌داند و علامه مصباح با تأکید بر توحید افعالی، تفسیر صحیح‌تری از چیستیِ شُرور ارائه کرده است.

واژه‌های کلیدی: شرّ، قُبح اخلاقی، حسن‌زاده آملی، مصباح یزدی، طباطبایی، مطهری

◄ **استناد:** حیدریان، رضا؛ دریس، بسعاد. ماهیت شرّ و قُبح اخلاقی از منظر علامه حسن‌زاده آملی، علامه مصباح یزدی، علامه طباطبایی و علامه شهید مطهری. دین و سلامت، ویژه نامه علامه حسن زاده آملی؛ ۲۹-۲۰(فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه

۱. بیان مسئله

مسئله‌ی شرّ و قبُح اخلاقی از مسائل بسیار مهمی است که تبیین چیستی و ماهیت آن، بازشناسی آن‌ها از یکدیگر، پاسخ به سؤالات درباره‌ی آن، تبیین رابطه‌ی آن با ویژگی‌های خداوند و با نظام هستی از اهمّیت بالایی برخوردار است؛ چراکه پاسخ به این سؤال و حلّ آن به تحکیم عقاید بنیادین، مانند وجود خداوند، توحید، عدالت و حکمت می‌انجامد. هریک از اندیشمندان و متکلمان اسلامی با تکیه بر آموزه‌های دینی، سعی در پاسخ به سؤالات مربوط به این امر و تبیین و توجیه شرور و قبایح اخلاقی موجود در عالم دارند. پژوهش حاضر با بیان اندیشه‌ی چهار تن از فیلسوفان و متکلّمان معاصر، علامه حسن‌زاده آملی، علامه مصباح یزدی، علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری، در پی پاسخ به این پرسش است که اساساً ماهیت و نقش شر و قبح اخلاقی در هستی چیست؟ و در این میان، کدام دیدگاه با مبانی دینی و اسلامی سازگارتر است. طبق تقسیم‌بندی ابن‌سینا در *منطق‌المشرقین*، تعاریف را می‌توان بسته به سنخ معرّف، به دو نوع مفهومی و مصداقی تقسیم کرد (۱).

تعریف مفهومی شرّ: درباره‌ی مفهوم شرّ می‌توان به دو تعریف مفهومی اشاره کرد که البته، اختلاف‌نظرهای زیادی درباره‌ی آن‌ها وجود دارد:

۱. مساوقت و همراهی خیر با وجود و شرّ با عدم: هرچیزی که وجود دارد، چون وجود دارد، لزوماً خیر است و هرچیزی که از نوع نیستی و عدم باشد، شر محسوب می‌شود؛

۲. مطلوب‌بودن خیر و نامطلوب‌بودن شر: برخی شر را بر اساس نامطلوب‌بودن تعریف کرده‌اند، به این ترتیب که شر چیزی است که همه از آن روی‌گردان‌اند، چنان‌که خیر چیزی است که همه آن را خواهان‌اند و نوعاً از آن استقبال می‌کنند.

تعریف مصداقی: درباره‌ی تعریف مصداقی شرّ به اموری اشاره می‌شود که اغلب مردم آن را از مصادیق شر تلقّی می‌کنند؛ از جمله دردِ طاقت‌فرسا، رنج، معلولیت جسمی، بلایای طبیعی. در خصوصِ این تعریف از شر اتفاق‌نظر بیشتری وجود دارد (۲).

در میان توضیحاتی که از مقوله‌ی شرّ ارائه شد، تبیینی فلسفی از شرّ موجود است که برای اولین بار ارسطو آن را ارائه کرد و بسیاری از فیلسوفان و متکلّمان بزرگ، همچون ملاصدرا و ابوعلی سینا برای پاسخ به مسئله‌ی شرّ و سؤالات موجود درباره‌ی آن، بدان استناد کرده‌اند. ارسطو در تقسیمی، موجودات ممکن را از لحاظ عقلی، به پنج دسته تقسیم کرده است: ۱. موجوداتی که خیر محض‌اند و هیچ شرّی در آن‌ها وجود ندارد؛ ۲. موجوداتی که دارای خیر کثیرند و شرّ آن‌ها کم است؛ ۳. موجوداتی که دارای شرّ کثیرند و خیر آن‌ها کم است؛ ۴. موجوداتی که خیر و شرّ در آن‌ها مساوی است؛ ۵. موجوداتی که شرّ مطلق‌اند و هیچ خیری در آن‌ها نیست. بنابر تقسیم مزبور می‌توانیم بگوییم: قسم اول، یعنی موجوداتی که خیر محض‌اند، باید بالضّروره و حتماً موجود باشند؛ زیرا خداوند فاعل خیر محض است و اگر این دسته از موجودات را خلق نکند، در خلقت او نقص پدید می‌آید. همچنین، ایجاد قسم دوّم، یعنی موجوداتی که دارای خیر کثیر و شرّ قلیل‌اند نیز برای خداوند لازم و ضروری است؛ زیرا ترکِ ایجاد این قسم، خود شرّی کثیر محسوب می‌شود؛ یعنی نمی‌توان به‌خاطر وجود شرّ قلیل از خیر کثیر صرف‌نظر کرد. به‌عنوان مثال، حرارت و آتش فواید بسیاری برای انسان‌ها دارند و دارای خیر کثیر هستند؛ اما همین حرکات گاهی موجب پدیدآمدن بلایا و مصائب می‌شوند. آیا می‌توان بیان کرد که به‌خاطر وجود این مصیبت و بلای اندک باید از آن‌همه خیر کثیر دست کشید؟ دو قسم مزبور در قضای الهی هستند. از این پنج قسم، سه قسم آخر معقول نیستند که رنگ هستی به خود بگیرند؛ زیرا هست‌شدنِ آن‌ها مستلزم ترجیح بلامرجّح یا ترجیح مرجوح بر راجح است (۳).

بنابر نوعی تقسیم‌بندی، شر را از منظر مصداق به دو دسته تقسیم می‌کنند: شر اخلاقی و شر طبیعی. شر اخلاقی شری است که مستقیماً در نتیجه‌ی عمل ناپسند شخص به وجود می‌آید؛ مانند قتل و دزدی. زلزله، آتش‌فشان، سیل، طوفان و امراض نیز نمونه‌هایی از شرور طبیعی هستند (۴) (۵). لایبنیتس شرور را به سه دسته تقسیم می‌کند: شر اخلاقی یا خطا، شر طبیعی یا فیزیکی که مصداقش آن دسته از رنج‌هایی است که بر موجود عاقل و حساس وارد می‌شود و شر فلسفی یا متافیزیکی

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

که تمامی موجودات به‌جز خداوند مصداقی از این نوع شر هستند؛ زیرا نقص وجودی دارند. در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان شرور را به چهار بخش تقسیم کرد: شر اخلاقی یا خطا، شر طبیعی یا فیزیکی، شر فلسفی یا متافیزیکی و شر احساسی یا عاطفی که آن حالات ناخوشایندی است که بر اثر برخورد با سه قسم دیگر، بر بشر عارض می‌شوند؛ همچون درد، رنج، غم و ناکامی (۶). لازم است ذکر کنیم که آنچه در پژوهشِ پیش رو در این بین بررسی می‌شود، صرفاً بررسی چیستی و جایگاه شرورِ طبیعی در عالم، بر اساس آثار این چهار اسلام‌شناس است. نگارندگان در این نوشتار، در صدد بررسی سایر موارد و از جمله قبح (شرّ) اخلاقی نیستند، علی‌رغم آنکه قبایح اخلاقی نیز از مصادیق شرور به حساب می‌آیند.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در مقالات متعددی به‌طور پراکنده به مسئله‌ی شرور و قبایح اخلاقی پرداخته شده است؛ به‌عنوان مثال، احمدی و فیروزکوهی (احمدی و فیروزکوهی، ۱۳۹۷، «نقش ضرورت در مواجهه با مسئله‌ی شر در فلسفه‌ی افلاطون»، پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، دوره‌ی ۱۶، ش۳۱، ص۱۹۷ تا ۲۱۰) می‌نویسند: «افلاطون در مواجهه با مسئله‌ی شر می‌کوشید تا تنزه و تعالی خیر را از دخالت در ایجاد شر حفظ کند؛ از این رو، جز این که سبب برخی شرور را خود آدمیان برمی‌شمرد، از عنصری به نام ضرورت سخن می‌گوید که در کنار عقل در کیهان و ساماندهی آن نقش می‌آفریند. افلاطون برای یافتن راه‌حل به ثنویت روی می‌آورد. در این نگرش، خیر می‌خواهد جهان را تا جایی که برایش مقدور است، بدون نقص بیافریند و تا جایی که کار به دست عقل است، امور بر مدار خیر می‌گردد، افلاطون به‌رغم کوشش‌های فراوان، نتوانسته از زیر بار سنگین ثنویتی که در جای‌جای فلسفه‌ی او به چشم می‌خورد، شانه خالی کند.» منزوی و فاطمی‌تبار (منزوی و فاطمی‌تبار، ۱۳۸۷، «حسن و قبح اخلاقی»، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره‌ی ۱، ش۲، ص۲۹ تا ۳۵) به این جمع‌بندی رسیده‌اند که: «حسن و قبح اخلاقی دارای جایگاه ارزشمندی در علومی همچون علم اخلاق است که با نفی آن، اخلاق نسبی می‌شود. معانی متفاوتی برای حسن و قبح وجود داردکه عبارت‌اند از: "سازگاری و ناسازگاری با طبع"، "موافقت با اغراض و مصالح"، "کمال و نقص نفسانی"، "تفسیر حسن و قبح به مدح و ذم" و "کشش‌های فطری". طبع انسانی به دو نوع حیوانی و والا قابل تقسیم است. طبع حیوانی انسان نمی‌تواند ملاک بازشناسی فعل اخلاقی باشد. در تعریف حسن و قبح باید ملاک‌هایی که کاربرد کلامی و تا حد امکان اخلاقی دارند، مانند سازگاری با طبع والای انسانی، مایه‌ی کمال و نقص نفسانی، کشش‌های فطری و مصالح و اغراض نوعی مورد توجه باشند.» موسوی اعظم (موسوی اعظم، ۱۳۹۸، «واکاوی مسئله‌ی شر در سامانه‌ی فکری فخررازی»، معرفت کلامی، دوره‌ی۱۰، شماره‌ی۲، ش۲۳، ص۱۹ تا ۳۴) می‌نویسد: «فخررازی در مسئله‌ی شرّ تصریح می‌کند ملازمه‌ای میان عالم ماده و شرور نیست.» از سوی دیگر، این پیش‌فرض را که عالم ماده دارای شر قلیل و خیر کثیر است، به نقد می‌کشد.

همچنین، کتاب‌های *خیر و شرّ* اثر کریشنا مورتی، متفکر هندی، که در قالب داستان و مصاحبه نگاشته است، یک *گفت‌وگوی سه‌نفره درباره‌ی خیر و شرّ و وجود خدا* اثر جان پری، ترجمه‌ی زهرا قلی‌پور، *بررسی تطبیقی خیر و شر از دیدگاه ابن‌عربی و ابن‌سینا* نوشته‌ی حسن امینی، *تحلیل و نقد شرور و بلایا در حکمت متعالیه* اثر صغری باباپور، *الهیات و مسئله‌ی شرّ* نوشته‌ی قاسم پورحسن و مقاله‌ی «هستی‌شناسی مسئله‌ی شر در هندو و اسلام و مواجهه‌ی آنان با استلزامات جهان‌شناختی مسئله‌ی شر» نوشته‌ی امیرسام دلیری و سید اکبر حسینی قلعه بهمن، در همین راستا قلم‌فرسایی شده است. اما در این نوشتار، در پی بررسی مقارنه‌ای نظرگاه متفکران بزرگ معاصر، حسن‌زاده آملی، طباطبایی، مصباح یزدی و مطهری درباره‌ی چیستی شرور و کارکرد آن در عالم تکوین و بازشناسی آن از قبح اخلاقی هستیم.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجا که مسئله‌ی شرّ امری موجود و کاملاً محسوس در زندگی مادی و معنوی همه‌ی انسان‌ها است و شئون مختلف زندگی آن‌ها را تحت‌تأثیر خویش قرار می‌دهد و شناختِ این امر نیز ارتباطی مستقیم با اعتقاد به عدالت، حکمت، قدرت و سایر صفات پروردگار دارد،

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

وانگهی مواجهه‌ی ادیان مختلف با مسئله‌ی شرّ، از جمله موضوعات بررسی‌شدنی در مباحث اخلاقی و کلامی است. در این میان، تحلیل معنی‌شناختی مفهوم شرور و تمییز و بازشناسی آن از شرور (قبایح) اخلاقی از یک سو و بررسی استلزامات اخلاقی و کلامیِ پذیرش وجود شرور در عالم از سوی دیگر، بسیار حائز اهمیت است؛ بنابراین، پرداختن به این موضوع به‌صورت تطبیقی و مقایسه‌ای میان برخی از چهره‌های صاحب‌نظر و نخبه در این عرصه، از جمله علامه حسن‌زاده و مصباح بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به‌گونه‌ی تطبیقی و با روش توصیفی‌تحلیلی، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به مقایسه‌ی دیدگاه دانشمندان بزرگ اسلامی، علامه حسن‌زاده آملی، علامه طباطبایی، علامه مصباح یزدی و علامه مطهری پرداخته و در صدد پاسخ به این سؤال است که ماهیت و نقش شر و قبح اخلاقی در هستی چیست. نگارندگان پس از بررسی مقایسه‌ای و تحلیلی دیدگاه‌ها، با عنایت به متون دینی و بررسی اندیشه‌ی این متکلمان در آثارشان، به این نتیجه دست یافته‌اند که شرور اموری عدمی، نسبی، لازمه‌ی این جهان مادی و نسبت به خیرات عالم اندک و لازمه‌ی قطعی نظام علّی و معلولی‌اند. در این بین، علامه حسن‌زاده امور عالم تکوین را صرفاً خیر محض می‌داند و علامه مصباح با عنایت به توحید افعالی تفسیر صحیح‌تری از شرور ارائه کرده است. مراحلِ انجام پژوهش حاضر عبارت است از: ۱. مطالعه‌ی چهارچوب نظری و مفاهیم تحقیق؛ ۲. تبیین و بررسی دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی، ۳. تبیین و بررسی دیدگاه علامه مصباح یزدی؛ ۴. تبیین و بررسی دیدگاه علامه طباطبایی؛ ۵. تبیین و بررسی دیدگاه استاد مطهری؛ ۶. تحلیل و نتیجه گیری.

یافته‌ها و بحث

۱. ماهیت شرّ از منظر علامه حسن‌زاده آملی (ره)

از نظر علامه حسن‌زاده، هر موجودی در حدّ خویش خیر محض است و تا نسبت و قیاس به میان نیاید، به‌هیچ‌وجه صحبتی از شرّ به میان نمی‌آید، از مثال باد و باران و کوزه‌گر و برزگر و دیگر اصناف دانسته می‌شود که وجود باد و باران چون تابیدن ماه و خورشید در نظام هستی، خیر محض است؛ بنابراین، در آن روزی که باران آمد اگر گازُر (لباس‌شوی) به‌عکسِ برزگر (کشاورز)، دهان به بدگویی به دهر بگشاید، آیا صحیح است؟ آیا کسانی که به شب و روز و باد و باران و گردش روزگار و دیگر اعضا و اجزای کارخانه‌ی عظیم هستی بدگویی می‌کنند، نه این است که این‌گونه افراد فقط سود شخصی خود را در نظر می‌گیرند و از هرچه موافق میل و کامیابی‌شان نیست، بیزاری می‌جویند و بدان بد می‌گویند؟ گویا هریک از آنان چنین می‌خواهد که نظام هستی فقط برای اوست و باید فقط بر اساس مراد او باشد. ما که نمی‌توانیم سرنوشت و برنامه‌ی نظام هستی را دگرگون کنیم و می‌بینیم که هریک از اعضای این نظام در کمال استواری به کار خویشتن سرگرم‌اند و به حرف ما گوش نمی‌دهند و ستایش و نکوهش انسان‌ها در آن‌ها اثری نمی‌گذارد؛ بنابراین، یکی گندم می‌کارد و دیگری پنبه، یکی سنگ‌تراش است و دیگری شیشه‌گر، یکی پنبه‌دوز است و دیگری پیله‌ور، یکی حصیر می‌بافد و دیگری حریر و دیگر پیشه‌وران که هریک به‌نوبت، خود عضوی از اعضای پیکر اجتماع‌اند و همه در کار یکدیگرند (۷).

ایشان چنین تبیین می‌کنند که اگر شرّی وجود دارد، به‌لحاظ مقایسه و نسبت‌سنجی میان موجودات است و به‌لحاظ اوّلی، یعنی لحاظ استقلالی، هیچ شرّی وجود ندارد. به‌عنوان نمونه، هنگام روز، ظلمت شب کنار رفته و فجر طلوع کرده و سپیده‌دم پیدا شده است. هرچقدر که زمان می‌گذرد، خورشید بیشتر به‌سمت وسط آسمان می‌آید و نور آن برافروخته‌تر و هوا نیز گرم‌تر می‌شود. بعد از چند ساعت، خورشید به‌سمت مغرب حرکت می‌کند و نورش ضعیف می‌شود تا تاریکی شب. سپس، به بررسی برخی از این موارد می‌پردازند: اینکه ظلمت شب کنار برود، سپیده‌دم پیدا شود و خورشید از افق سر برآورد، آیا بد است؟ اینکه با آمدن خورشید به وسط آسمان هوا گرم‌تر می‌شود و بعدازظهر به‌سمت مغرب برمی‌گردد و شب پیدا می‌شود، آیا بد است؟ هیچ‌یک از این‌ها را نمی‌توانیم بگوییم بد است؛ ولی به‌عنوان نمونه، فرض کنید وقتی خورشید طلوع کند، دو برادر هرکدام مبلغی در جیبشان گذاشته‌اند و صبح که برای کسب درآمد

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

بیرون می‌روند، در ابتدای راه، با فردی برخورد می‌کنند؛ سپس، هریک مشغول کاسبی می‌شوند و برادر اوّلی با این مقدار پول، درآمد کلانی کسب کرده و سود برده است و برادر دومی هنوز به بازار نرسیده، بخشی از پول را گُم کرده و با بخش دیگر هم نه‌تنها سودی نبرده، بلکه متحمّل ضرر شده است. این دو وقتی به خانه برمی‌گردند، برادر اوّلی می‌گوید: چه روز خوبی بود و آن آقا که اول صبح با او برخورد کردم، خوش‌یُمن بوده، برخلاف برادر دوم که می‌گوید: عجب روز بد و شومی بود و همان آقا خوش‌یمن نبوده است. چرا یکی می‌گوید آن آقا خوش‌قدم است و دیگری می‌گوید نحس بوده؟ آن آقا که یک نفر بود، روز هم که یک روز است و به‌لحاظ روزبودن هیچ تفاوت و مشکلی وجود ندارد و برای خودش کمال است. پس خیر و شرّی که دو برادر نسبت می‌دهند، مربوط به خودشان است؛ زیرا وقتی دو برادر آن شخص را با خودشان قیاس می‌کنند، اولی چون منفعت برده، روز خوبی برایش بوده و آن انسان هم خوش‌یمن بوده، ولی برادر دیگر چون ضرر کرده، می‌گوید بد است. همین مثال را درباره‌ی سایر موجودات می‌توانیم بیاوریم؛ مثلاً باد خوب است یا بد؟ یکی می‌گوید خوب است و دیگری می‌گوید بد است. اگر چند روز باد نباشد، شهرهای بزرگ مشکل آلودگی هوا پیدا می‌کنند؛ اما برای باغداری که میوه‌های او تازه رسیده، با مختصر بادی می‌ریزند و همین باد برای او خیلی بد است. یا اگر کشاورزی گندم را چیده و خرمن کوبیده است، برای جداسازی دانه از کاه به باد نیاز دارد تا کاه را جدا سازد و برای او باد بزرگ‌ترین نعمت است یا به‌عنوان مثال، آفتاب برای این کوزه‌گری که کوزه را ساخته و گذاشته است که خشک شود، بهترین نعمت است؛ اما همین آفتاب ممکن است برای دیگری بدترین چیز باشد. کشاورزی که دانه را کاشته، خدا را با اضطرار می‌خواند که باران ببارد و کوزه‌گری که کوزه را گذاشته تا خشک شود، خداخدا می‌کند که باران نبارد. در حیوانات نیز چنین شرایطی حاکم است؛ مثلاً مار، عقرب و مگس چه خاصیتی دارند که خداوند آن‌ها را آفریده است؟ عده‌ای می‌گویند: خدای قادر مطلق شما این موجودات بی‌خاصیت و مُضرّ را چرا و به چه اهدافی آفریده است؟

علامه حسن‌زاده که در پاسخ به چنین افرادی، قائل هستند که شرور اموری نسبی‌اند و در مقایسه با موجودات و امور دیگر معنی می‌یابند و موجب آن می‌شوند که برخی امور شرّ پنداشته شوند، می‌فرمایند: «مار اگر این آب دهان زهرآگین را نداشت، نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. این نیش و این آب زهرآگین وسیله‌ی دفاعی اوست و این خیر محض است.» چنان‌که بوعلی در طبیعیات شفا می‌گوید: «اگر انسان ماری را بگیرد و آب دهانش را در دهان آن مار بریزد، مخصوصاً اگر آن انسان روزه باشد، آن مار می‌میرد». خب مگر آب دهان انسان بد است؟ اگر آب دهان نباشد که مشکل پیدا می‌کنیم، پس این امر هم خیر محض است، آیا در اینجا باید اعتراض کنیم که چرا خداوند آب دهان را آفرید و در نتیجه، با مقایسه با سایر امور می‌توان آن را شرّ قلمداد کرد (۸)؟

۲. ماهیت شرّ از منظر علامه مصباح یزدی (ره)

حاصل سخن علامه مصباح یزدی درباره‌ی خیر و شر این است که ما مفهوم خیر را تقریباً به سه صورت استعمال می‌کنیم: ۱. خیر اصیل و فی‌نفسه؛ ۲. خیر نسبی یا مقایسه‌ای؛ ۳. خیر اخلاقی یا ارزشی.

هرکدام از این سه استعمال مرتبه‌ای از معنای خیر و شر را روشن می‌سازد. در اندیشه‌ی فلاسفه، خیر مطلق فقط بر خداوند متعال اطلاق می‌شود و به مقتضای فیض و صدور در نظام آفرینش، مخلوقات و به‌ویژه انسان‌ها بر اساس همان خیر آفریده شده‌اند و خیر اصیل و فی‌نفسه درباره‌ی خداوند صدق می‌کند. این در حالی است که وجود تزاحمات و مشاهده‌ی شُرور در عالم، رتبه‌ی دیگری از خیرات را که نسبی یا مقایسه‌ای نامیده می‌شوند، نمایان می‌سازد. ممکن است پدیده یا عملی در عالم نسبت به خودش خیر باشد؛ اما در مقایسه با دیگران شرّ قلمداد شود (۹).

حاصل آنکه اوّلاً، شرور و نقایص این جهان لازمه‌ی جدایی‌ناپذیر و لاینفکّ نظام عِلّی و معلولی هستی است و حیثیت شرّیت آن‌ها که بازگشت به جهات عدمی می‌کند، ذاتاً متعلّق محبّت و اراده‌ی الهی قرار نمی‌گیرد و تنها آن‌ها را می‌توان بالعرض متعلّق اراده و ایجاد و قضا و قدر لحاظ کرد.

ثانیاً، خیرات جهان بر همین شرور بالعرض غالب است

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

و ترک خیر کثیر برای پدیدنیامدن شرّ قلیل، خلاف حکمت و نقض غرض است. ثالثاً، همین شرور قلیل و نسبی و بالعرض هم فواید بسیاری دارد و هرقدر بر دانش بشر افزوده شود، از حکمت‌ها و رازهای این جهان بیشتر آگاه می‌شود (۱۰).

دقت در آرای علامه مصباح نشان می‌دهد که ایشان به‌جز تبیین مسئله‌ی شرّ در دستگاه فلسفی، جست‌وجو و ارائه‌ی الگوی عملی و کاربردی مواجهه‌ی با شرّ را نیز دنبال کرده است. در بیان وی، اولاً، شُرور نیز بالتبع تحت اراده‌ی خداوند است. ثانیاً، شُرور بر اساس حکمت تامّه و کامله‌ی الهی است. ثالثاً، باور به این حکمتِ سازنده، مطابق با توحید افعالی است.

همچنین، از نظر دِقّی و فلسفی، اتصاف امر عدمی به خیر و همچنین، اتصاف امر وجودی به شرّ، بالعَرَض است. ایشان در توضیح محال‌بودن تعلّق اراده‌ی خداوند به قبایح می‌نویسند: «خدا از آن جهت که فاعل کاملی است، با نقص و اعدام و شُرور سنخیتی ندارد، نقص در اراده نیست، مُراد است که نقص دارد، فعل قبیح نقص دارد، نه اینکه اراده‌ی خداوند محدود است، محال‌بودن صدور قبیح، امتناع بالغیر است، اوست که امتناع به فعل قبیح می‌دهد؛ یعنی اگر این فعل قبیح بخواهد صادر شود، باید بی‌علت صادر شود و این محال است. پس نه نقصی در قدرت و نه در مشیّت خداست؛ البته، به‌اعتبار ظرفیت و قابلیت‌هاست که بهترین مصلحت این‌گونه است، نه آنکه مصلحت جدیدی نیز آفریده شود.» (۱۱).

استاد مصباح میان وجود شرور عالم و اقتضائات طبیعی و تزاحمات عالم مادی ارتباط گریزناپذیری می‌بیند و معتقد است خداوند بر اساس حکمت خود، عالم طبیعت را آفریده و عالم طبیعت، خواه‌ناخواه، با چنین شرور و مفاسدی، چون جنگ، فقر، بیماری، سیل، زلزله و طوفان همراه خواهد بود. وجود جهان طبیعت و عالم مادّه بدون وجود این‌گونه شرها و فسادها امکان‌پذیر نیست (۱۲).

ایشان نقش باور به توحید افعالی در اصلاح نگاه بشر به زندگی و هدف آن را در چند گام تصویر می‌کند: گام یکم: باور به فاعلیت مطلق خداوند؛ گام دوم: تبیین نقش خاص توحید افعالی در تفسیر شرور، ایشان در بیان دلیل عدل الهی می‌نویسد: «اراده‌ی او گزافی و بی‌حساب نیست، بلکه آنچه را مقتضای صفات کمالیه‌اش باشد، اراده می‌کند و اگر صفات کمالیه‌ی او اقتضای کاری را نداشته باشد، هرگز آن را انجام نخواهد داد و چون خدای متعال کمال محض است، اراده‌ی او اصالتاً به‌جهت کمال و خیر مخلوقات تعلق می‌گیرد و اگر لازمه‌ی وجود مخلوقی پیدایش شرور و نقایصی در جهان باشد، جهت شر آن مقصود بالتبع خواهد بود؛ یعنی، چون لازمه‌ی انفکاک‌ناپذیر خیر بیشتری است، بالتّبَع آن خیر غالب مورد اراده‌ی الهی واقع می‌شود»؛ بنابراین، مقتضای صفات کمالیه‌ی الهی آن است که جهان به‌گونه‌ای آفریده شود که مجموعاً دارای بیشترین کمال و خیرِ ممکن‌الحصول باشد و از اینجا، صفت حکمت برای خدای متعال ثابت می‌شود (۱۳).

۳. ماهیت شرّ از منظر علامه طباطبایی (ره)

علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره) عالَم خیر را امری وجودی و کاملاً محسوس و شرّ را امری عدمی می‌داند. مقصود ایشان از عدمی‌بودنِ شر نه عدم مطلق، بلکه عدم مضاف است. منظور از عدمی‌بودنِ شر این نیست که آنچه شر است، مطلقاً وجود ندارد، بلکه مراد وی آن است که همه‌ی شُرور عالم از نوع عدم و فقدان هستند و به عبارت دیگر، شرور جهان از تبار نیستی است: نابینایی که شیء خاصی در چشم فرد نابینا نیست، بلکه نابینایی که همان فقدان و نبودِ بینایی در وجود اوست (۱۴).

شرّ امری عدمی است و همه‌ی اشیایی که خلقت و ایجاد شده‌اند یا ممکن است بشوند، وجود نفسی‌شان خیر است و شُروری که جنبه‌ی وجودی دارند، مانند سیل و موجودات درنده و...، شرّ بودنشان نسبی است، به این معنا که به‌خودی‌خود و فی‌حدّذاته شر نیستند و شرّ صفت حقیقی آن‌ها محسوب نمی‌شود و در نسبت و مقایسه با چیزی دیگر شرّ محسوب می‌شوند (۱۵).

به عقیده‌ی طباطبایی، شرّ اندک و حداقلی که همراه با اشیا است، لازمه‌ی خیر فراوان آن‌هاست. به گفته‌ی وی، از آنجا که عالَم مادّه عالم تضادّ و تزاحمات اسباب و مسبّبات مختلف و دار حرکت و تغییر از صورتی به صورت دیگر و گونه‌ای به گونه‌ی دیگر است، منفکّ و جدای از شرور نخواهد بود؛ یعنی اگر موجودی مادّی باشد و سعه و ظرفیت آن در قلمرو حرکت از قوّه به فعل باشد، تزاحم و

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

تصادم و در نتیجه، شر قلیل برای آن ضروری و حتمی خواهد بود؛ بنابراین، شُرور از لوازم جهان مادی است و اگر عالَم به‌گونه‌ای بود که هیچ‌گونه شرّی در آن راه نداشت، دیگر عالم طبیعت نبود و همچون عالم مجرّدات می‌شد که هیچ عدمی در آن راه ندارد و لذا، شرّ در آن محقق نمی‌شود(۱۶).

۴. ماهیت شرّ از منظر استاد شهید مطهری (ره)

از نظر استاد شهید مرتضی مطهری، ماهیت شرور عدم است؛ یعنی بدی‌ها همه از نوع نیستی و عدم‌اند و علّت شرّبودن آن‌ها این است که در راستای خود منشأ نابودی و نیستی و کمبود و خلل می‌شوند. از دیدگاه ایشان منظور از شرّ، گاهی، قبح اخلاقی است، همچون ظلم و گاه، شرّ به‌معنای مُضرّ و مزاحم به کار می‌رود؛ همچون سیل و طوفان، گاهی نیز شرّ به‌معنای امور نامطبوع مانند جهل و فقر است (۱۷).

بنابر دیدگاه او، می‌توان گفت شرّ مطلق در جهان وجود ندارد، بلکه هر شرّی جنبه‌های خیر نیز دارد یا ممکن است نسبت به شخصی شرّ و نسبت به شخص دیگر خیر باشد (۱۸).

وی معتقد است که شرور مقدمه‌ی حصول خیر و کمالات جدید و دارای فوایدی هستند؛ همچنین، شرور نسبت به کل عالم و نسبت به خیرات در اقلّیت‌اند. شرور لازمه‌ی خیرهای فراوانی‌اند که جز با تحقّق این شرور یافت نمی‌شوند. از نظر مطهری، شرور نه‌تنها ملازم با سلسله‌ی خیرات هستند و وجودشان مقارن با آن‌هاست، بلکه به یک اعتبار، معلول و تابع قهری خیرات نیز هستند که اگر خیرات بخواهند موجود باشند، این شرور و عدمیات هم باید باشند. این شرور متبوع سلسله‌ای از خیرات‌اند؛ یعنی یک سلسله‌خیرات کثیر است که آن خیرات کثیر وجودشان مشروط به این شرور است؛ یعنی تا این شرور نباشند، آن خیرات هرگز در عالم تکوین محقق نمی‌شوند. پس بر شرور یک سلسله‌خیرات و یک سلسله‌مصالح مترتب می‌شود (۱۹).

همچنین، او این جهان را علی‌رغم درد و رنج یا به‌طور کلی شرور، بهترین جهان ممکن می‌داند و در این باره می‌گوید: «این جهان با وجود بعضی شرور، از جهانی که در آن هیچ‌گونه شرّی نباشد، بهتر و نیکوتر است.» وی معتقد است که تضاد و تنازع یکی از اصول و قوانین قطعی این جهان است. اگر در طبیعت صرفاً توافق می‌بود، یعنی اگر تضادّی و جنگی و خنثی‌کردن اثر دیگری نمی‌بود، عالم به‌صورت موجودی راکد و ساکن و یکنواخت از ازل تا ابد درمی‌آمد. تضادها و اختلاف‌ها صرفاً اموری طبیعی و سطحی نیستند، بلکه در ارکان ساختمان عالم دخالت دارند و چون در اصل ساختمان جهان دخالت دارند، نقششان صرفاً نقش منفی نیست؛ بنابراین، تضادها نه‌تنها نقش اساسی دارند، بلکه اموری لازم در تربیت و حیات انسان‌ها هستند. جهان عاری از تضادّ بدترین جهان است (۲۰).

استاد مطهری در کتاب *عدل الهی* می‌نویسد: «نمی‌توان گفت خداوند می‌توانست عالَم را به‌گونه‌ای خلق نماید که هیچ شرّی در آن نباشد، بلکه خیر محض باشد؛ زیرا وجود شرّ و بلا لازمه‌ی این عالم مادی است؛ چراکه پستی و بلندی، فقدان و دارایی از لوازم ضروری عالم مادّه است. زمانی می‌توانیم بگوییم که در عالَم شرّی نباشد که این عالَم را غیرمادّه فرض کنیم. نمی‌توانیم بگوییم که هم عالم مادّه موجود باشد و هم وجود شرور و بلاها را در آن نفی کنیم، همچنان‌که نمی‌توانیم بپرسیم چرا آتش، غیرسوزاننده خلق نشده است.» وی در این باره معتقد است که فرمول اصلی جهان آفرینش فرمول تضادّ است و دنیا جز مجموعه‌ای از اضداد نیست: هستی و نیستی، بقا و فنا، سلامتی و بیماری، پیری و جوانی در این جهان توأمان‌اند. تغییرپذیری مادّه‌ی جهان و پدیدآمدن تکامل ناشی از تضادّ است. اگر تضادّی نمی‌بود، هرگز تنوع و تکاملی در عالم رخ نمی‌داد و نقوشی جدید بر صفحه‌ی گیتی آشکار نمی‌شد. قابلیت مادّه از برای پذیرش صورت‌های گوناگون و تضادّ صُوَر با یکدیگر هم عامل تخریب است و هم عامل ساختن، هم انهدام و ویرانی معلول تضادّ است و هم تنوّع و تکامل؛ زیرا اگر چیزی منهدم نمی‌شد، تشکّل تازه‌ی اجزا با یکدیگر و ترکیب و تکامل مفهوم نداشت. پس صحیح است که بگوییم: تضادّ منشأ خیر و قائمه‌ی جهان است و نظام عالَم بر آن استوار است (۲۱). پس بنابر دیدگاه استاد مطهری، خداوند در خلقت مادّه حکمت عظیمی را دنبال کرده که تحقّق آن در هیچ عالم دیگری ممکن نبوده و ترک چنین خلقتی برابری می‌کرد با ترک خیر کثیری که خود شرّی عظیم قلمداد می‌شد.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

نتیجه‌گیری

از بررسی نظرهای این چهار اندیشمند درمی‌یابیم که شرّ امری عدمی است که مقدمه‌ی خیر است و نسبت به خیرِ موجود در کمترین مقدار ممکن قرار دارد و از آنجایی که این جهان مادّی و محل تزاحمات و تضادهاست، وجود شرور در عالم تکوین امری گریزناپذیر است. مهم‌ترین مسئله درباره‌ی شرور نسبی‌بودن آن‌هاست. در این میان، علامه حسن‌زاده قائل به خیریّت محض امور، در حدّ و میزانِ خویش در عالم است. یافته‌ی پژوهش حاضر حاکی از آن است که علامه مصباح در بابِ شرور، با تطبیق مسئله‌ی مورد بحث با توحید افعالی، نظریه‌ی کامل‌تری را نسبت به سایر اندیشمندانِ معاصرش ارائه کرده است.

توضیح آنکه باتوجه به مطالعاتِ انجام‌گرفته، از منظر علامه حسن زاد آملی، هر موجودی در حدّ خویش خیر محض است و تا نسبت و قیاس بین امور مختلف به میان نیاید، کلام از هیچ شرّی به میان نخواهد آمد. از مثال باد و باران و کوزه‌گر و برزگر و دیگر اصناف دانسته می‌شود که وجود باد و باران چون تابیدن ماه و خورشید در نظام هستی خیرِ محض است؛ اما از نظر علامه طباطبایی، شُرور در عالم اموری عدمی، نسبی، لازمه‌ی جهان مادّی و نسبت به امور خیر بسیار اندک هستند. از نظر شهید مطهری نیز شرور اموری عدمی، نسبی و لازمه‌ی جهان مادّی هستند و در حقیقت، مقدمه‌ی سلسله‌خیرات و در مقابل آن، اقلّ‌اند. علامه مصباح نیز شُرور را اموری عدمی، نسبی، لازمه‌ی نظام علّی و معلولی و نسبت به خیر، قلیل دانسته‌اند و وجودشان را نسبت به خیرات، بالعرض می‌دانند؛ همچنین، از منظر وی، اعتقاد به توحید افعالی در تفسیر درست و واقعی شُرور، نقش مهم و بسزایی دارد.

پیشنهادات

با عنایت به تحقیق و نتایج حاصل و به‌خاطر اهمیت بالایی که موضوع پژوهش در باورمندی و نوع نگرش به دنیا در مسلمانان دارد، پیشنهاد می‌شود از نظرها و دقت-های سایر اسلام‌شناسان و متکلمان نیز به‌طور مجزا یا مقایسه‌ای درباره‌ی ماهیت و نقش خیر و شرّ در هستی و نسبت آن‌ها با یکدیگر و استلزامات جهان‌شناختیِ آن در عالم بهره گرفت و نتایج تحقیقات حاصل را در اختیار مخاطب‌ها و جامعه‌های علمی قرار داد.

حمایت مالی

این پژوهش بدون هرگونه حمایت مالی به انجام رسیده است.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان این پژوهش اعلام می‌کنند که در این پژوهش، تمامی اصول اخلاقی لازم، به‌خاطر بهره‌جویی از متون مرتبط اندیشمندان، مراعات شده و سعی شده است تمامی مطالب به‌صورت متقن و کاملاً مستند ذکر شوند.

تعارض منافع

نویسندگان پژوهش بیان می‌کنند که در پژوهش حاضر، هیچ تعارض منافعی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

ما، نگارندگان این تحقیق، وظیفه‌ی خویش می‌دانیم از تمامی کسانی که در تدوین پژوهش ما را یاری کرده‌اند، نهایت سپاسگزاری و قدردانی را به عمل آوریم و برای همگان آرزوی موفقیت‌های روزافزون می‌کنیم.

References

1. Ibn Sina, Hossein bin Abdullah .Logic of the Eastern .1328 - 29.
2. Patterson M .Religious reason and belief, an introduction to the philosophy of religion. New Design Publications. (7): 2000 - 177.
3. Sabzevari, Molahadi. Allameh Hassanzadeh Amoli's commentary, description of the poem. Nab Publishing. 1413 – 155.
4. Sobhani J, Mohammad Rezaee M. Islamic Thought. Ma'arif Publishing House. 2016; 122.
5. Warburton N. Alphabet of Philosophy. Qaqnoos Publications. 1400 -41.
6. Soleimani Amiri A. Criticism of the irrefutability of God's existence, Bostan publisher of the Qom book under the supervision of the Research Institute of

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

Islamic Sciences and Culture. 2018 – 325.
7. Hassanzadeh Amoli H. Self-Knowledge Courses. Scientific and Cultural. 2021; 1384-85.
8. Hassanzadeh Amoli H. Self-Knowledge Courses. Scientific and Cultural. 2022; 1384-85.
9. Motaghi Far G. Prerequisites of Islamic Management Conferences of Hazrat Ayatollah Mohammad Taqi Mesbah Yazidi at Tehran University School of Management. Imam Khomeini Educational and Research Institute Anthropology – Philosophy. 2002; 117-118.
10. Mesbah Yazdi MT. Philosophy Education. Amir Kabir Publishing House. 1388-525.
11. Mesbah Yazdi MT, Khudasansi (Quran 1). Imam Khomeini Educational Research Institute. 2012;151-53.
12. Mesbah Yazdi MT. War and Jihad in the Qur'an. Imam Khomeini Educational Research Institute. 2013; 30.
13. Mesbah Yazdi MT. Educating Ideas. Amir Kabir Publishing House.2005; 197.
14. Tabatabaei SMH, Nahayeh al – Hikma. Islamic Publishing Institute. 1983; 187: 13.
15. Tabatabaei SMH, Nahayeh al-Hikma. Islamic Publishing Institute. 1983; 134: 13.
16. Tabatabaei SMH, Nahayeh al-Hikma. Islamic Publishing Institute. 1983; 312-313.
17. Motahari M, Theological Lessons of Healing. Hikmat. 1997; 156.
18. Motahari M, Adl Elahi. Sadra. 1998; 131.
19. Motahari M, Theological Lessons of Healing. Hikmat. 1997; 161.
20. Motahari M, Theological Lessons of Healing. Hikmat. 1997; 156.
21. Motahari M, collection of works of Master Shahid Motahari. Sadra. 1989; 189.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]